



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطالعات فقهی سیاست



دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: سید جواد حسینی گرگانی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- ◆ میرتقی حسینی گرگانی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ سیدجواد حسینی گرگانی (مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکتری فقه روابط بین الملل)
- ◆ قاسم شبان نیا (عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی علیه السلام، دکتری علوم سیاسی)
- ◆ محمد قاسمی (مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکتری فلسفه سیاسی)
- ◆ مجتبی عبدخدایی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، دکتری روابط بین الملل)
- ◆ احمد مبلغی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ ابوالقاسم مقیمی حاجی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ محمدجواد نوروزی (استاد مؤسسه امام خمینی علیه السلام)
- ◆ محمد سعید واعظی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)

دبیر تحریریه: محمد قاسمی
ویراستار: محسن اکبری
صفحه آرا: محسن شریفی

دبیر اجرایی: حسین حمزه
طراح جلد: حمیدرضا پورحسین
مترجمان: ابراهیم حسن (عربی) - جاوید اکبری (انگلیسی)

مجوز انتشار نشریه مطالعات فقه سیاست در زمینه فقه و علوم سیاسی (تخصصی) به زبان فارسی و ترتیب انتشار دوفصلنامه به نام مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۰ به شماره ثبت ۸۷۸۲۶ از سوی معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردید.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر دوفصلنامه مطالعات فقه سیاست
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸
قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال





Analysis of the Interpretation of Verse 66 of Sūrah al-Mā'idah on the Necessity of Establishing a Religious Government

Abdulnaser Jalalian¹

Abstract

The distortion of the Torah and the Gospel on one hand, and the incompetence of the Church in the realm of governance and the fair administration of society on the other, has led Western intellectuals to advocate for the separation of religion from politics. Unfortunately, some religious thinkers have also extended the religion's incapacity in the political arena to Islam and have even attempted to find evidence from the Quran and Sunnah for this claim. This article, in line with refuting this notion, focuses on the implication of one of the verses of the Quran - verse 66 of Sūrah al-Mā'idah - on the necessity of a religious government and attempts to elucidate how the verse indicates this important matter. The analysis of the interpretation of the mentioned verse, using the interpretive-ijtihad method, reveals that Islam is not merely a personal religion but also concerns itself with social matters and the establishment of governance, advocating for human welfare in all aspects. In this verse, worldly happiness is contingent upon the establishment of religion, which is not possible without the formation of a government; even if we do not explicitly say that the establishment of a government is in conjunction with the establishment of religion, it is at least its precursor. The narrations of the interpreters of the verse also emphasize this point, stating that human happiness is achieved through obedience to the divine representatives and vicegerents of Allah in all aspects of life.

Keywords: Establishment of Religion, Jurisprudence of Governance, Necessity of Religious Government, Social Laws, Verse 66 of Sūrah al-Mā'idah.



1. Lecturer of advanced levels of the Islamic Seminary of Qom.

بررسی دلالتی آیه ۶۶ سوره مائده بر ضرورت تشکیل حکومت دینی

عبدالناصر جلالیان^۱

چکیده

تحریر تورات و انجیل از یک سو و ناتوانی کلیسا در حوزه حکمرانی و اداره عادلانه جامعه از سوی دیگر، سبب گرایش اندیشمندان غربی به انگاره جدایی دین از سیاست گردید. متأسفانه برخی روشنفکران دینی ناتوانی دین در عرصه سیاست‌ورزی را به دین اسلام نیز تعمیم داده، حتی تلاش نموده‌اند برای آن شواهدی از قرآن و سنت بیابند. مقاله حاضر در راستای رد این انگاره، دلالت یکی از آیات قرآن کریم - آیه ۶۶ مائده - بر ضرورت حکومت دینی را مورد توجه قرار داده، تلاش نموده است چگونگی دلالت آیه بر این مهم را تبیین نماید.

بررسی دلالتی آیه مذکور با استفاده از روش تفسیری - اجتهادی، حاکی از آن است که اسلام نه تنها دین فردی نیست، بلکه به امور اجتماعی و تشکیل حکومت اهتمام داشته، سعادت بشری در تمامی شؤون را خواستار است. در این آیه، سعادت دنیوی به اقامه دین مشروط شده که بدون تشکیل حکومت ممکن نیست؛ چه حتی اگر نگوییم تشکیل حکومت در تلازم با اقامه دین است، دست‌کم مقدمه آن است. روایات مفسره آیه نیز ضمن تأکید این نکته، بیان می‌کنند که راه رسیدن بشر به سعادت، تبعیت از نمایندگان و منتخبان الهی در تمامی شؤون زندگی است. واژگان کلیدی: اقامه دین، فقه حکومت، ضرورت حکومت دینی، احکام اجتماعی، آیه ۶۶ مائده.



مقدمه

تحریف تورات و انجیل و کوتاه شدن دست پیروان این دو کتاب از معارف وحیانی از یک طرف و عدم مدیریت صحیح کلیسا و فساد آن به عنوان یک مجموعه مدّعی دین، از طرف دیگر، سبب شد تا روشنفکران مسیحی به سمت انگاره جدایی دین از سیاست و عرفی‌انگاری سیاست بروند؛ دین را تنها در حیطه زندگی فردی ساری و جاری بدانند. (حجاریان، ۱۳۸۰ش؛ شجاعی زند، ۱۳۸۰ش؛ لاری شاینر، ۱۳۷۹ش؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۳ش، ص ۳۵-۲۷)

با گسترش این نظریه در جوامع غربی و گسترش تفکر سکولاریسم و لیبرالیسم، برخی روشنفکران مسلمان نیز گمان کردند دین اسلام نیز هم‌چون کلیسا توانایی مدیریت جامعه و حکمرانی ندارد و مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه نگاشته، حتی سعی کردند شواهدی از قرآن و سنت بر این انگاره اقامه نمایند. (ن.ک. مجتهد شبستری، ۱۴۰۰ش)

در این کشاکش و با مطرح شدن نظریه عرفی‌انگاری سیاست از طرف برخی روشنفکران اسلامی، علما و اندیشمندان مسلمان درصدد پاسخگویی به آن برآمده، پاسخ‌هایی کلی از قرآن و سنت به این نظریه و قائلان آن دادند. (ن.ک. ساعدی، ۱۳۹۵ش؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴ش؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷ش)

با وجود آن‌که کتب و مقالات زیادی پیرامون مباحث سیاسی، اجتماعی و حکومتی از منظر قرآن کریم نوشته شده (ن.ک. آوینی، ۱۳۸۲ش؛ شاکرین، ۱۳۸۷ش؛ خ. محمدی آذر؛ ۱۳۹۸ش و...) اما بسیاری از آن‌ها کلی است و به صورت خاص و موردی به دلالت آیات قرآن پرداخته‌اند. علاوه آن‌که بررسی دلالتی آیه ۶۶ مائده سابقه تحقیقی و پژوهشی ندارد. لذا، نگارنده در این نوشتار تلاش دارد تا دلالت آیه ۶۶ سوره مائده را بر ضرورت تشکیل حکومت دینی بررسی کرده، اثبات نماید: تشکیل حکومت دینی یک ضرورت قرآنی است و پاسخی است به شبهات مطرح شده نسبت به اسلام و نظریاتی مثل: جدایی دین از سیاست، یا فردی بودن دین اسلام و عرفی‌انگاری حکومت.

از مسلّمات عقلی و عقلایی این است که زندگی بشری برای جلوگیری از ایجاد هرج و مرج و اختلال نظامات بشری نیازمند قانون و حکومت است؛ لیکن مخالفان کلیسا که ناکارآمدی و فساد آن را دیده‌اند، از دین فاصله گرفته، دین را فردی و آسمانی تفسیر کرده، معتقدند حکومت یک امر عرفی و غیردینی است؛ چراکه از طرفی، وجود حکومت را برای سعادت دنیوی ضروری می‌دانند و از سوی دیگر، با عدم توانایی کلیسا در تأمین نیازها مواجه شده‌اند و در نتیجه، به عرفی‌انگاری سیاست و جدایی دین از سیاست قائل شده‌اند. (براعلی‌پور، ۱۳۸۲ش)



۱. آیه ۶۶ مائده

خدای سبحان در آیه ۶۶ از سوره مائده می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ﴾؛ و اگر اینان تورات و انجیل را بدون کم‌وکاست و هم‌چنین قرآنی را که به‌سوی آن‌ها نازل شده، اقامه کنند؛ به تحقیق از بالای سر (آسمان) و پائین پاهای خود (زمین) روزی خواهند خورد. بعضی از اینان مردمی معتدل‌اند و لیکن کارهایی که بیشتر آن‌ها مرتکب می‌شوند، زشت و ناپسند است.

این آیه در فراز ابتدایی خود که در قالب شرط و جزاء مطرح شده، بر مدّعی ما دلالت دارد. به بیان دیگر، استدلال بر ادّعی نگارنده مبتنی بر فراز ابتدایی آیه شریف است که در قالب شرط بیان می‌کند: ﴿لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾.

۱.۱. تبیین مفردات آیه

در فراز ابتدایی، آیه شریف اقامه تورات و انجیل و کتب دینی قبل از تورات و انجیل (یا قرآن) را مقدمه ارسال رزق و روزی و برکت معرفتی کرده، می‌فرماید: اگر محتوای این کتاب‌ها را اقامه می‌کردند به سعادت دنیا و آبادانی می‌رسیدند، لکن دین را اقامه نکردند. برای روشن شدن استدلال، ابتدا باید مرجع ضمیر در «آنها» و «إلیهم»، معنای «اقامه»، مراد از «منهم امة مقتصدة» و مراد از «لأكلوا من فوقهم ومن تحت أرجلهم» مشخص شود.

۱.۱.۱. مرجع ضمیر «هم» در دو فراز «آنها» و «إلیهم»

در این‌که مرجع ضمیر «هم» در دو فراز «آنها» و «إلیهم»، در آیه شریف چیست؟ دو احتمال از سوی مفسران مطرح شده است.

احتمال اول: اهل کتاب و مسلمانان؛ طبق این احتمال، اهل کتابی که تابع دین موسی هستند، باید از تورات و کسانی که تابع دین عیسی هستند، از انجیل تبعیت می‌کردند. البته اگر مراد از «ما أنزل» قرآن باشد، ضمیر «آنها» را باید تعمیم بیشتری دهیم؛ به گونه‌ای که شامل مسلمانان نیز بشود. (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۷۱؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۹۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۳۰)



طبق این احتمال، مسلمانان به صورت مستقیم مخاطب آیه شریف هستند و شرطیت نزول برکات بر اقامه کتاب شامل آنان نیز می‌شود.

احتمال دوم: اعم از یهود و نصاری؛ بر اساس این نظر، مراد از «وَمَا أُنزِلَ» سایر کتب آسمانی است که قبل از تورات و انجیل بوده؛ نظیر زبور حضرت داود - علی نبینا وآله وعلیه السلام -. اکثر مفسران نیز این احتمال را پذیرفته‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۵۸؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۶۸)

اگر احتمال دوم را بپذیریم، آیه شریف در مقام بیان اخبار این نکته است که امت‌های پیشین به دلیل عدم اقامه محتوای کتب هدایت نشدند و به سعادت دنیایی نرسیدند؛ اما نسبت به مسلمانان نیازمند بیانی تکمیلی است؛ چراکه مخاطب مستقیم آیه نیستند؛ ولی اگر احتمال اول را بپذیریم، از آنجا که حکم آیه شامل حال مسلمانان نیز می‌شود، مستفاد از آن این است که آن‌ها هم اگر قرآن را اقامه نکنند سعادت دنیایی شامل حالشان نمی‌شود.

نکته قابل توجه این‌که طبق سیاق آیات، به نظر می‌رسد مخاطب اصلی آیه شریف اهل کتاب و یهود و نصاری باشند و حکم اولاً و بالذات خطاب به اینان است، لکن اشتراک حکم نسبت به مسلمانان مسلم و غیر قابل انکار است؛ چراکه قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان است و بیان این حکم در قرآن کریم به معنای اشتراک مسلمانان در اصل حکم با اهل کتاب (یهود و نصاری) است. ضمن این‌که اگر سعادت ادیان پیشین متفرع بر شرطی شده باشد، به اولویت در دین اسلام که کامل‌ترین دین است نیز وجود دارد؛ چه آن‌که رسالت تمام ادیان مشترک و واحد است و آن، تأمین مصالح دنیوی و اخروی پیروانشان است. اگر در دین موسی و عیسی علیهم‌السلام خداوند متعال سعادت دنیا و آخرت را بر اقامه دین متفرع کرده، شکی نیست که در امت اسلام نیز ثابت است.

۱.۱.۲. معنای اقامه

واژه «اقامه» در لغت، برای اموری به کار می‌رود که نیاز به استمرار و مداومت دارد، یا نوعی بقا در آن لحاظ شده است. در معنای «اقامه نماز» نیز همین را گفته‌اند: «مداومت بر نماز و به‌جا آوردن ارکان آن». (جوهری، ج ۵، ص ۲۰۱۷)

برخی «اقامه» را به معنای برپاداشتن هر برنامه‌ای و تعطیل نکردن آن دانسته‌اند؛ به‌عنوان مثال، هنگامی که گفته می‌شود «أقام القوم سوقهم» یعنی «مردم بازار خود را برپا کردند و به خرید و فروش پرداخته، آن را موقوف و تعطیل نکردند». (فیومی، ج ۲، ص ۵۲۱؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۷)

در اصطلاح قرآن کریم، «اقامه» در مواردی استعمال شده که نیاز به نوعی قیام برای امر وجود دارد؛ مثل اقامه حدود (بقره/۲۲۹-۲۳۰)، اقامه دین (روم/۳۰)، اقامه نماز (بقره/۳) و ...



در آیه **﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾** (الرحمن/۹)، «اقامه» برای وزن و تحقق عدالت و قسط به کار رفته است. اگر حدود در جامعه بر روی متخلفان و متجاوزان اجرا نشود، سبب اختلال در زندگی اجتماعی و شیوع فساد در جامعه می‌شود. در آیه **﴿وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ...﴾** نیز اقامه برای شهادت استعمال شده که مقدمه اجرای حدود و اجرای عدالت در جامعه است. در تمامی این موارد که «اقامه» به کار رفته است، دوام و مداومت بر مطلب و هم‌چنین اجرای صحیح آن، لحاظ شده و مدنظر است؛ لیکن با توجه به استعمالات قرآنی درمی‌یابیم که در غالب موارد تحقق خارجی مفهوم، مورد نظر است؛ به این معنا که در جامعه باید عدالت یا حدود اجرا شود تا جامعه به یک امنیت و ثبات برسد؛ وگرنه بدون اجرای حدود و تحقق عدالت و مفاهیم این‌چنینی، نمی‌توان انتظار داشت انسان بتواند سعادت خود را تأمین نماید؛ چراکه یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر، امنیت است.

نکته دیگری که در معنای «اقامه» باید بیان شود، این است که این واژه از ماده «قوم» و «قوام»، به معنای قوام بخشیدن و برپاداشتن است که بار معنایی بیشتری از «ایجاد عمل» دارد. گاه گفته می‌شود فلان چیز را در خارج ایجاد کن، که به صرف تحقق آن «ایجاد» صدق می‌کند؛ اما گاه خواسته می‌شود که فلان چیز را در خارج برپا داریم؛ در این جا علاوه بر «ایجاد»، گسترش و همه‌گیر شدن و ترویج آن را نیز خواستارند؛ یعنی اگر آن مفهوم همه‌گیر و تبدیل به یک فرهنگ همگانی در جامعه شد، اقامه صورت گرفته وگرنه با صرف ایجاد، اقامه صدق نمی‌کند. در تمامی استعمالات قرآنی و در مفاهیمی مثل «شهادت»، «دین»، «حدود»، «عدل» و «قسط» که اقامه استعمال شده نیز چنین است.

در آیه مورد بحث نیز «اقامه» به معنای «پیاده‌نمودن محتوای کتب الهی در اجتماع و سیطره آن بر زندگی پیروان این کتب» می‌باشد. (ن.ک. جلالیان، ۱۳۹۶ش) در صورت عدم پذیرش این بیان، می‌گوئیم از باب تناسب حکم و موضوع و با توجه به معنای دین، اسناد «اقامه» به «کتب آسمانی» - که کنایه از اقامه دین است - می‌فهماند مراد، فقط تحقق محتوای کتب نیست؛ بلکه ظهور و بروز اجتماعی و سیطره آن بر جامعه اراده شده است.

۱.۱.۳. «منهم أمة مقتصدة»

این فقره از آیه شریف می‌فرماید: برخی از اهل کتاب عادل و در مسیر حق قرار داشتند و اقامه «تورات»، یا «انجیل» و یا «ما أنزل علیهم من قبل» را انجام دادند و مؤمن به پیامبر و کتاب بودند. (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص ۹) وزان این فقره از آیه، وزان آیاتی است که دلالت می‌کند همواره



گروهی از مردم با پیامبران همراه و قول حق را پذیرفته‌اند؛ مانند آیه شریف که می‌فرماید: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلًا مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ (سبأ/۱۳)، نظیر این تعبیر درباره اقلیت صالح اهل کتاب، در آیات ۱۵۹ و ۱۸۱ سوره اعراف و ۷۵ آل عمران نیز دیده می‌شود.

با توجه به فقره انتهایی آیه که می‌فرماید ﴿كَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾ می‌فهمیم اکثریت مردم دنبال دنیای خود بودند و به جای این که با تبعیت از پیامبران و دستورات آن‌ها به اهداف دنیایی خود برسند، مسیر را اشتباه طی کرده و درصدد رفع نیازها و نیل به اهداف خود از مسیرهای ناصحیح برآمدند. البته احتمال دیگری در این فقره از آیه وجود دارد و آن این که مراد این باشد که گروه اندکی جزء متعصبین و استهزاکنندگان نبودند، اگرچه ایمان هم نیاوردند. (ن.ک. بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۳۶)

در این صورت، آیه از فضای استدلال بیگانه خواهد بود؛ اما احتمال اول به اثبات ادعای ما کمک می‌کند؛ چراکه نشان می‌دهد علت کشتن پیامبران یهود توسط قوم بنی اسرائیل طبق بیان قرآن کریم (بقره/۶۱ و...) این بوده که عده‌ای از مردم با آنان همراه و درصدد تشکیل حکومت بوده‌اند که با دنیای آن‌ها معارض بوده است؛ از این رو، به قتل آنها دست زده‌اند؛ وگرنه اگر هیچ کسی با آن‌ها همراهی نمی‌کرد و دین فقط جنبه فردی داشت، وجهی برای کشتن پیامبران نبود. به بیان دیگر، عبارت «منهم امة مقتصدة» - در صورت پذیرش احتمال اول - نشان می‌دهد اقامه کتب جنبه اجتماعی دارد و فردی نیست؛ اما طبق احتمال دوم جنبه فردی پیدا کرده، دیگر دلیلی برای نزاع، مخالفت و کشتن پیامبران نیست.

طبق نظر نگارنده، احتمال اول صحیح به نظر می‌رسد؛ چراکه همواره در سایه دعوت پیامبران الهی عده‌ای از مردم با آنان همراهی کرده، ایمان می‌آوردند و در نتیجه، بین پیروان دین الهی و مخالفان به دلیل تنافی بین دو تفکر و دیدگاه نزاع و درگیری ایجاد می‌شد.

۱.۱.۴. ﴿لَاكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾

مفسران بزرگ شیعه و سنی در تفسیر آیه، مراد از ﴿لَاكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾ را مطلق رزق - اعتم از ارزاق زمینی و آسمانی - دانسته‌اند و به نوعی، تعبیر «من فوقهم» و «من تحت ارجلهم» را کنایه از عمومیت نعمت گرفته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۳۹۸) در این صورت، معنای آیه چنین می‌شود که اگر کتب آسمانی در زندگی سیطره پیدا کند، تمام برکات الهی بر مردم جامعه نازل می‌شود؛ به بیان دیگر، شرط نزول برکات، اقامه کتب در جامعه است.



با تبیین مفردات آیه، نتیجه این می‌شود که مراد از اقامه کتاب صرف ایجاد محتوای آن‌ها نیست - که اگر مراد، صرف ایجاد محتوای کتاب‌ها باشد، جنبه شخصی پیدا می‌کند - بلکه به معنای نشر و همه‌گیر شدن محتوا در اجتماع و سریان آن به زندگی فردی و اجتماعی تک‌تک افراد جامعه است. هم‌چنین عبارت «منهم أمة مقتصدة» بدین معناست که گروهی از مردم، پیامبران را همراهی کرده، به آنان ایمان آورده، در اقامه کتب کمک می‌کردند. مراد از «لأكلوا من فوقهم ومن تحت أرجلهم» نیز مطلق رزق و برکات الهی است. نیز درباره مرجع ضمیر «هم» در «إِنَّهُمْ» و «إِلَيْهِمْ»، اگر به دلالت مطابقی، فقط یهود و نصاری باشد، شمولیت آن نسبت به مسلمانان، به مفهوم موافقت و یا قاعده اشتراک - علی المبنی - قابل مناقشه و انکار نیست. بالاخره این حکم در قرآن مسلمانان بیان شده و معنا ندارد خداوند متعال تنها به یک نقل تاریخی بسنده کرده باشد بدون آن‌که شمولیتش را نسبت به مسلمانان لحاظ نکرده باشد.

۱.۲. تبیین دلالتی آیه

مفسران در تبیین مراد و تفسیر آیه شریف دو دسته‌اند.

۱.۲.۱. دلالت آیه بر لوازم حکومت

گروهی از مفسران ذیل این آیه مباحثی مثل حدود و مسائل اجتماعی را مطرح نموده‌اند که بیان‌گر این نکته است که اقامه آن‌چه در تورات راستین و انجیل واقعی و محتوای کتب آسمانی وجود داشت به این است که تمام شؤون زندگی انسان تحت سیطره و نظارت دین باشد و در این صورت، آن متفرعات شامل حال مؤمنان به این ادیان و کتب می‌شود. (ن.ک. طبری، همان، ج ۶، ص ۱۹۷؛ ابن عطیه، ۴۲۲، ج ۲، ص ۲۱۷)

ابن عربی در تفسیر آیه چنین می‌گوید:

نسبت به تورات، محافظت کردن بر احکام داخل کتاب در بخش معاملات و نسبت به انجیل با محقق کردن باطن انجیل و قیام به صفات و تجلی دادن صفات و محافظت بر احکام موجود در انجیل است. (ابن عربی، ۴۲۲، ج ۱، ص ۱۸۱)

او یکی از معدود مفسرینی است که به احکام اجتماعی اشاره کرده است و در مباحث آینده خواهد آمد بین اقامه احکام اجتماعی و حکومت، تلازم است و اساساً اقامه احکام اجتماعی بدون حکومت امکان ندارد.

از دیگر مفسرینی که در تفسیر آیه به این نکته اشاره کرده، صاحب تفسیر مقاتل است. او در



تفسیر ﴿لَوْ أَقَامُوا التَّوْرَاتِ وَالْإِنْجِيلِ...﴾ می‌گوید:

﴿لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾ یعنی عمل کنند به آنچه در این کتاب‌ها آمده، از احکامی مثل احکام رجم و زنا و آن را تحریف نکنند. در انجیل، توصیف پیامبر اکرم و در تورات، توصیف پیامبر اکرم و احکام رجم، زنا، خون و... آمده است که تحریف نکنند و بدان عمل کنند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۹۱)

واضح است اجرای حدود گناهانی مثل زنا نیازمند حکومت است و بدون حکومت، اقامه این حدود ممکن نیست. ابن عطیه نیز در این باره می‌نویسد:

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ أَوْ أَظْهَرُوا أَحْكَامَهَا فَهِيَ كِإِقَامَةِ السُّوقِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ، وَذَلِكَ كُلُّهُ تَشْبِيهُ بِالْقَائِمِ مِنَ النَّاسِ، إِذْ هِيَ أَظْهَرُ هَيْئَاتِ الْمَرْءِ. (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، همان)

شاید صریح‌ترین عبارت در میان عبارات مفسران نسبت به دلالت آیه شریف بر تشکیل حکومت همین عبارت ابن عطیه باشد که اقامه کتب را به معنای اظهار کردن احکام آن‌ها دانسته که جنبه شخصی ندارد و آن را به اقامه نماز و اقامه بازار تشبیه کرده است.

۱.۲.۲. عدم بیان لوازم حکومت

در مقابل گروه اول، از ظاهر کلمات برخی دیگر از مفسران (ن.ک. فخر رازی، همان، ج ۱۲، ص ۳۹۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۳۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۹۷) استفاده می‌شود این آیه شریف به جنبه فردی اشاره دارد. فخر رازی در معنای آیه سه احتمال مطرح می‌کند و خود، احتمال اول از احتمالات را می‌پذیرد که تقریباً جنبه فردی داشته و به تشکیل و ضوابط حکومتی بر نمی‌گردد. در اقامه تورات و انجیل سه وجه وجود دارد؛ اول: به معاهدات خود با خدا که در کتاب آمده است عمل کنند و اقرار کنند به این که دلائل نبوت و بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن کتب وجود دارد.

دوم: اقامه تورات یعنی اقامه احکام و قوانین آن.

سوم: کتاب مقابل چشم آن‌ها باشد و طبق آن عمل کنند و از حدود آن تجاوز نکنند. همه این وجوه خوب و نیکو است؛ لیکن وجه اول نیکوتر است. (فخر رازی، همان، ج ۱۲، ص ۳۹۹)

از جمله کسانی که در نگاه بدوی از کلام او این گونه برداشت می‌شود که آیه مورد بحث را به صورت تربیت فردی معنا نموده و گناهان فردی را عامل از بین رفتن نعمت معرفی کرده، صاحب تفسیر نمونه است. ایشان می‌نویسد:



این آیه در مقام بیان یک اصل تربیتی است و می‌گوید اگر از دین تبعیت نمایید و به احکام آن پای‌بند باشید نعمت‌های خدا شامل حال شما می‌شود و اگر کفران کنید و پای‌بند نباشید، از شما سلب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۵، ص ۷۲)

به نظر می‌رسد گرچه در کلام ایشان نکته‌ای درباره حکومت ذکر نشده، اما عدم ذکر، بر مخالفت دلالت نمی‌کند؛ بلکه کلام ایشان با آنچه در ادامه می‌آید سازگاری دارد؛ ضمن آن‌که چه بسا بتوان گفت ایشان نیز دلالت آیه شریف بر تشکیل حکومت دینی را تمام می‌داند؛ زیرا، در انتهای سخن می‌فرماید:

خلاصه این‌که آیه فوق یک‌بار دیگر این اصل اساسی را مورد تاکید قرار می‌دهد که پیروی از تعلیمات آسمانی پیامبران تنها برای سروسامان دادن به زندگی پس از مرگ نیست، بلکه بازتاب گسترده‌ای در سرتاسر زندگی مادی انسان‌ها نیز دارد؛ جمعیت‌ها را قوی، صفوف را فشرده، نیروها را متراکم، نعمت‌ها را پُریرکت، امکانات را وسیع و زندگی را مرفه و امن و امان می‌سازد. (مکارم، همان، ج ۲۵، ص ۷۳)

یا در بخش دیگری می‌گوید:

... همه به خاطر این است که از مرکب لجاجت فرود آیند و تصوّر نکنند تسلیم در برابر قرآن به معنی تسلیم یهود در برابر عرب است؛ بلکه تنها تسلیم در برابر خدای بزرگشان است. (همان، ص ۷۴)

این سخن تنها با حکومت سازگار است، نه با دین فردی؛ هم‌چنین واضح است امنیت، اتحاد نیرو، تقویت جمعیت و... با حکومت بیشتر سازگار است تا مسائل فردی. آیت‌الله جوادی آملی نیز در تفسیر این آیه، تقوا را ملاک و معیار نزول برکات الهی معرفی می‌کند که در نگاه بدوی، در جنبه فردی ظهور دارد؛ لکن در ادامه، تقوا را به دو نوع فردی و اجتماعی تقسیم کرده، می‌فرماید:

اگر در جامعه‌ای که مثلاً صدها هزار نفر هستند، ده نفر یا صد نفر و یک گروه کمی باتقوا باشند آن جامعه از برکات برخوردار نیست؛ ولی اگر امت اهل ایمان و تقوا باشد و اکثریت قاطع اهل ایمان و تقوی باشند، از رفاه و برکات دنیوی برخوردار می‌شوند؛ پس تلازم در باب معنویات مطلق است، چه فرد و چه گروه؛ ولی در باب برکات مادی تلازم مطلق نیست که اگر جامعه‌ای مثلاً چند میلیون نفر زندگی می‌کنند، اگر چند نفر انسان وارسته و برکت‌مند باشد، کل جامعه در رفاه باشند این طور نیست باید خود جامعه، همه یا اکثریت قریب به اتفاق رو به فلاح روند تا برکت نصیبشان شود. (جوادی آملی، ۱۴۰۰ش)



در این عبارت به وضوح دیده می‌شود قرآن کریم برکت مادی را فرع بر تقوای اجتماعی و حاکم شدن روح ایمان و تقوا بر جامعه می‌داند؛ تحقق این امر نیز در حکومت غیردینی ممکن نیست و به‌طور طبیعی برای تحقق این امر راهی جز تشکیل حکومت دینی نیست - اگر نگوئیم حکومت دینی یعنی سیطره دین بر زندگی آحاد جامعه و فراگیر شدن دین در جامعه - بنابراین، می‌توان گفت ایشان تلازم را پذیرفته و بدان قائلند.

لکن به نظر نگارنده، گرچه هیچ‌یک از مفسران شیعه و سنی به مسأله حکومت تصریح نکرده‌اند، می‌توان گفت: با دلالت آیه شریف بر تشکیل حکومت هم مخالفتی ندارند؛ چراکه غالب آن‌ها در تفسیر آیه، بحث عمل به محتوای کتب را مطرح کرده‌اند و ما می‌دانیم احکام موجود در این کتاب‌ها غالباً اجتماعی است، مانند: احکام رجم، حدود، معاملات، امر به معروف و نهی از منکر که اقامه آن‌ها نیازمند حکومت است و تعبیر به لازم، به یقین ملزوم را هم دربر خواهد داشت. (ن.ک. طبری، ج ۶، ص ۱۹۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۰۵؛ دینوری، ج ۱، ص ۲۰۳؛

ماتریدی، ج ۳، ص ۵۵۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۹۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۸۵)

اگر کسی اشکال کند: اگر دلالت آیه آن‌گونه که می‌گوئید بر تشکیل حکومت صحیح است، چرا مفسران به آن تصریح نکرده‌اند؟ پاسخش این است که اولاً: قدمای از مفسرین اصلاً احتمال نمی‌دادند که حکومت دینی تشکیل گردد تا در فضای چنین حکومتی، احکام اجرا و اقامه شود. (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۲ش) ثانیاً: عدم تصریح بر عدم قبول دلالت نمی‌کند؛ بلکه همین مقدار که به مسأله احکام اجتماعی پرداخته‌اند، کافی است برای آن‌که گفته شود با تشکیل حکومت موافقت؛ چراکه بین اقامه احکام و تشکیل حکومت تلازم است و اساساً اقامه احکام اجتماعی چیزی جز حکومت نیست.

۲. وجوه دلالتی آیه بر ضرورت تشکیل حکومت دینی

برای استدلال به آیه ۶۶ مائده بر ضرورت تشکیل حکومت دینی می‌توان چند وجه - تلازم بین اقامه کتب و حکومت، مفهوم شرط، تفسیر روایی آیه - بیان کرد.

۱.۲. تلازم بین اقامه کتب و تشکیل حکومت

با توضیحات گذشته، معلوم می‌شود آیه شریف به یک قاعده کلی در قالب شرط اشاره می‌کند و آن، تشکیل حکومت برای اقامه دین و رسیدن به سعادت دنیوی است؛ چراکه بدون تشکیل حکومت، احکام اجتماعی در جامعه اقامه نخواهد شد. علت تعبیر به لازم نیز از آن جهت



است که اصل ملزوم از ضروریات عقلی و عقلایی است. به دیگر بیان، مراد آیه این است که اگر اجتماع یهودیان بر طبق تورات، اجتماع مسیحیان بر طبق انجیل، و به طور کل، اجتماع هر مکتبی بر طبق دستورات دینی موجود در کتاب الهی آن مکتب تشکیل شود، برکت و رزق و روزی بر آن اجتماع فرود می‌آید. بنابراین، اگر جامعه طالب دنیاست و به تبع، یا به اولویت، اگر طالب آخرت و سعادت اخروی است، بایستی دین به معنای واقعی‌اش در آن جامعه و اجتماع اقامه شود؛ چیزی که در طول تاریخ بشری پیروان ادیان ابراهیمی به آن ملتزم نشده و آن را محقق نکردند. در واقع، قرآن کریم در مقام نكوهش امت‌های قبل از اسلام و کنایه به امت اسلام است.

نیز این آیه ردی بر ادعای مدعیان روشنفکری و کسانی است که با حمایت از سکولاریسم به بشری بودن دین و عدم توجه دین به امور اجتماعی قائل هستند، ادعا می‌کنند دین برای ساختن انسان مؤمن آمده است و انسان مؤمن اجتماع را می‌سازد (مجتهد شبستری، ۱۴۰۰ش) بایسته توجه است طبق این بیان - همان‌گونه که برخی از مفسرین اشاره نموده‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۹۱) - دیگر نیازی نیست قوانین مشترک بین ادیان را به دست آوریم، بلکه پیروان هر مکتب و آئینی، اگر طبق دستورات دینی خود - جدای از این که محتوای کتاب آن‌ها با دیگر ادیان در احکام و مسائل اشتراک دارد یا خیر - عمل کرده، آن را در جامعه فراگیر و عملیاتی می‌کردند، وعده الهی شامل حال آنان شده، برکات و نعمت‌های مادی و دنیایی بر آن‌ها نازل می‌گردید. بنابراین، آیه در صدد بیان این مطلب است که اولاً، مردم جامعه وظیفه دارند دین را در زندگی خود حاکم قرار دهند. ثانیاً، اقدام آن‌ها نیز بی‌جواب نمی‌ماند، آثار و برکات دنیوی و اخروی دارد. برخی از مفسران نیز همین برداشت را داشته و بیان می‌کنند آیه، تنها بیان یک شرط ساده و تذکر نکته‌ای واضح نیست. (ن.ک. فخر رازی، همان؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۴۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۳۷). فقره انتهایی آیه نیز که می‌فرماید: ﴿وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾ بیانگر این نکته است که عدم اقامه کتب، سبب شقاوت و انحراف است و تنها بیان یک تذکر و یا شرط نیست.

اگر بخواهیم استدلال را به بیان دیگری ذکر کنیم، می‌گوئیم جمله شرطیه‌ای که در آیه بیان شده، مفهوم دارد؛ بدین معنا که اگر آبادانی و نعمت‌های مادی می‌خواهید باید تورات و انجیل (کتاب‌های آسمانی) اقامه شود؛ در غیر این صورت، آبادانی و نعمت‌های دنیایی وجود نخواهد داشت. از آن‌جا که آبادانی جامعه به اقامه کتب متفرع شده و این امر هم بدون حکومت ممکن



نیست، نتیجه آن می‌شود که تشکیل حکومت به‌عنوان مقدمه اقامه کتب و آبادانی جامعه لازم و ضروری است.

ممکن است کسی اشکال کند که این جمله شرطیه مفهوم ندارد، چنین نیست که اگر مردم ایمان نیاورند، برکاتی نخواهد بود؛ چرا که در ملت‌های کافر نعمت و آبادانی وجود دارد. پاسخ اشکال این است که کثرت اموال و آبادانی به‌معنای برکت نیست. برکت به این معناست که خداوند اگر به مؤمنان نعمتی عنایت می‌کند، از روی فضل و رحمت است و اگر به کفار داده می‌شود از روی سنت‌های الهی دیگر مثل استدراج و امهال است، نه فضل و رحمت. علاوه آن که مستفاد از آیه این است که نعمتی که بر اثر ایمان نازل می‌شود با نعمتی که طبق سنت تکوینی الهی مترتب است، تفاوت دارد.

سؤال دیگری که ممکن است طرح شود این است مطابق آیه شریف هرکسی دین را در زندگی فردی خود اقامه کند، تبعات مادی و معنوی برای او دارد و در غیر این صورت، هیچ عائدی نخواهد داشت؛ لذا، این آیه به ضرورت تشکیل حکومت ارتباطی ندارد.

پاسخ این سؤال نیز آن است که به‌یقین دین برنامه زندگی دارد و حتی حامیان سکولاریسم نیز فردی بودن دین را قبول دارند، اما آیه شریف امری فراتر از این بیان می‌کند مبنی بر آن که صرف انجام دستورات دینی در زندگی فردی کافی نیست، بلکه دین بایستی در تمام شؤون زندگی بشریت جریان داشته باشد و بر همه چیز سیطره پیدا کند و به همین دلیل هم امت‌های گذشته در آیه مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفته‌اند. سیطره دین نیز چیزی جز تشکیل حکومت نیست.

۲.۲. تفسیر روایی آیه

در برخی روایات صحیح نقل شده در کتاب‌های تفسیری شیعه، مراد از «اقامه تورات، انجیل و ما أنزل إليهم من قبل»، «ولایت» بیان شده است. نظیر روایت مذکور در تفسیر عیاشی:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ﴾، قَالَ: الْوَلَايَةُ. (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۳۳۰)

این روایت را کلینی رحمه الله در کتاب شریف کافی با سند صحیح دیگری از «محمّد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن حماد بن عيسى عن ربيعة بن عبد الله عن أبي جعفر عليه السلام» نقل می‌کند. (۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۳)



مفاد این روایت با ضرورت تشکیل حکومت دینی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت سازگاری دارد؛ زیرا، پذیرش ولایت در عرصه اجتماعی، پذیرش تشکیل حکومت دینی با محوریت، رهبری و راهبری ولی خداست.

شاهد دیگر در دلالت آیه شریف بر مدّعی نگارنده، مرسله‌ای بحار است که امام مجتبی علیه السلام در حضور معاویه و در مسجد کوفه خطبه‌ای ایراد کرده، فرمود:

وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ لَوْ أَنَّ النَّاسَ بَايَعُوا أَبِي حَبِيبٍ فَارَقَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَأَعْطَيْتُهُمُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا وَالْأَرْضَ بَرَكَتَهَا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۶۳)؛ و به خدا قسم! اگر مردم با پدرم بعد از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت می‌کردند (حکومت امیر مؤمنان علیه السلام را می‌پذیرفتند) آسمان برکاتش را اعطا می‌کرد و باران و نعمات الهی نازل می‌شد و زمین نیز برکات خود را عطا می‌کرد.

فرمایش امام مجتبی علیه السلام مستند به همین آیه است و اینطور نبوده که امام تنها علیه السلام تعریفی مبالغه‌آمیز از پدرشان داشته‌اند؛ چراکه آن حضرت برای فرمایش خویش به خدای سبحان قسم می‌خورد. علاوه بر این در جایی دیگر، همین فرمایش را نسبت به خود بیان فرموده‌اند:

فَأُقْسِمُ بِاللَّهِ لَوْ أَنَّ النَّاسَ بَايَعُونِي وَأَطَاعُونِي وَنَصَرُونِي لَأَعْطَيْتُهُمُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا وَالْأَرْضَ بَرَكَتَهَا.

این نشان‌دهنده سنت الهی است که اگر دین خدا در جامعه اجرا شود، برکات زیاد می‌شود.

۳.۲. حکومت، حکم مشترک ادیان

اقامه جمیع آن‌چه در کتاب‌های آسمانی پیشینیان آمده، ایجاب می‌کند تمام مشترکات آن‌ها محقق شود و از جمله مسائلی که تقریباً در تمام این کتب مشترک است، اختصاص حکمرانی به خداوند و منصوبان از طرف خداوند است؛ به‌عنوان نمونه، در عهد عتیق آمده است:

انتصاب هارون و پسرانش؛ خداوند خطاب به موسی گفت: هارون و پسرانش را با جامه‌ها و روغن مسح و گوساله نر قربانی گناه و دو قوچ و سبد نان بی خمیرمایه بیاور و همه جماعت را به در خیمه ملاقات گردآور. پس، موسی چنان‌که خداوند به او فرمان داده بود، عمل آورد. (سفر لاویان، آیه ۸)

هم‌چنین در عهد جدید آمده است:

به دختر صهیون بگویند: هان پادشاهت نزد تو می‌آید. (انجیل متی، ۲۱)

در قرآن کریم نیز آمده است:



﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ (انعام/۸۹)

نتیجه آن که آیه شریف دلالت دارد که یکی از مسائلی که تمام ادیان باید برای تامین دنیای خود محقق نمایند، تشکیل حکومت و واگذاری امور جامعه به دست فرستادگان الهی و برگزیدگان خداوند است. بر اساس نظر برخی مفسران (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۹۷) تمام ادیان یک رسالت و هدف و برنامه را دنبال می‌کنند و آن، رساندن انسان به سعادت دنیا و آخرت است که در آیه ۶۵ مائده به جنبه اخروی و در آیه ۶۶ به جنبه دنیوی اشاره شده است. لذا، می‌توان گفت: تشکیل حکومت برای اقامه احکام اجتماعی ادیان، از مقدمات ضروری ادیان ابراهیمی بوده و هست.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح در مقاله، آیه ۶۶ مائده به وجوه زیر بر ضرورت تشکیل حکومت دلالت دارد:

۱. اقتضای شرط و مفهوم شرط؛ تشکیل حکومت مقدمه اقامه کتب و آبادانی جامعه است و بین اقامه احکام اجتماعی کتب و تشکیل حکومت تلازم وجود دارد.
۲. تفسیر روایی آیه شریف؛ مراد از اقامه کتاب‌های آسمانی، ولایت و پذیرش آن است.
۳. مسئله اشتراکی تمام ادیان؛ ضرورت تشکیل حکومت مسئله مشترک تمام ادیان و کتاب‌های آسمانی است.

بنابراین، آیه شریف دلالت می‌کند دین اسلام نسبت به مسائل اجتماعی و امور دنیایی مردم بی‌تفاوت نبوده، اشکالاتی که به کلیسا وارد می‌شود به این دین وارد نیست؛ چه آن که ایراد کلیسا به دلیل عدم اقامه محتوای کتب و تحریف آن است؛ نه این که آنان دین را اقامه کردند، اما نتوانستند سعادت دنیایی مردم را تأمین کنند.

نکته آخر نیز آن که مفاد آیه شریف ادعای روشنفکران و مدعیان سکولاریسم - مبنی بر آن که دین امری فردی و شخصی است و از ساحت اجتماع جداست - را مردود می‌داند. آیه بیان می‌کند: راه تحقق جامعه سعادت‌مند، فقط و فقط، اقامه احکام در اجتماع در سایه تشکیل حکومت دینی است؛ امت‌های پیشین مسیر را اشتباه رفتند و در نتیجه، از سعادت دنیوی و اخروی بازماندند.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
- کتاب مقدس، ۲۰۱۴م، ترجمه هزاره نو، تهران: انتشارات ایلام.
۱. آوینی، سید مرتضی، ۱۳۸۲ش، حکومت فرزندگان بر مبنای حاکمیت سیاسی در اسلام، تهران: انتشارات غنچه.
۲. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، حسن، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. براتعلی پور، مهدی، ۱۳۸۲ش، لیبرالیسم، تهران: نشر انجمن معارف اسلامی ایران.
۶. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، تفسیر البغوی المسمی بمعالم التنزیل، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۸. ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ق، الكشف و البیان، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۹. جلالیان، عبدالناصر، ۱۳۹۶ش، مفهوم شناسی اقامه در قرآن، قم: مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ش، ولایت فقیه؛ حکومت فقاہت و عدالت، قم: موسسه نشر اسراء.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. حجاریان سعید، ۱۳۸۵ش، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری (عرفی شدن دین در سپهر سیاست)، تهران: طرح نو.
۱۳. خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۸ش، صحیفه نور، قم: دفتر نشر آثار امام خمینی.
۱۴. دینوری، عبدالله بن محمد، ۱۴۲۴ق، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار القلم.
۱۶. رابن هارد، کونل، ۱۳۵۴ش، لیبرالیسم، ترجمه منوچهر رشاد، تهران: انتشارات توس.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربي.
۱۸. ساعدی، محمد، بی تا، حاکمیت دینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. سراج زاده، سید حسین، ۱۳۸۳ش، چالش های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه شناختی در دینداری و سکولار شدن، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۰. سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ق، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.
۲۱. شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۸۷ش، حکومت دینی، قم: دفتر نشر معارف.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، تفسیر جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، قم: دار المعرفة.



۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. علوان، عبدالله بن ناصح، ۱۴۲۷ق، إعراب القرآن الکریم، بیروت: دار الصحابة للتراث.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، التفسیر (تفسیر العیاشی)، بیروت: مکتبة العلمیة الاسلامیة.
۳۰. فتاحی اردکانی، محسن، ۱۳۹۲ش، علل همکاری علمای شیعه با دولت صوفی صفویه، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ق، تهذیب اللغة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۳. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، مصباح المنیر، قم: دار الهجره.
۳۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۵. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۹. ماتریدی، محمد، ۱۴۲۹ق، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۰. مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۸۴ش، نقدی بر قرائت رسمی از دین (بحرانها، چالشها، راه‌حل‌ها)، تهران: طرح نو.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت: دار الاحیاء التراث.
۴۲. محمدی، صغری آذر، ۱۳۹۸ش، ضرورت حکومت از منظر قرآن کریم، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۵۳.
۴۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۴۰۲ش، حکیمانہ‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه، قم: موسسه امام خمینی (ع).
 ۴۴. مقاتل، ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الإسلامیة.
۴۶. مهیار، رضا، ۱۴۱۰ق، فرهنگ ابجدی عربی، قم: انتشارات اسلامی.
۴۷. واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۵ق، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار القلم.